

بررسی جایگاه و قابلیت‌های صوفی هروی در اطعمه‌سرایی و شگردهای طنزپردای او با نگاهی به تأثیرپذیری وی از بسحق اطعمه

سید ناصر جابری اردکانی*

سمیه شرونی**

چکیده

مولانا صوفی محمد هراتی شاعر گمنام قرن نهم هجری است. او با آن‌که اشعار قابل تأملی در زمینه اطعمه سروده است در تذکره‌ها و منابع شناخته شده نامی از او و طرز شاعرانگی‌اش نیست. گمنامی و در عین حال قابلیتش در زمینه اطعمه‌سرایی بستری برای انجام تحقیقی برای معرفی او و شیوه‌های نقیضه‌سرایی او شد. روش تحقیق تحلیلی-تطبیقی-توصیفی است. بدین‌گونه که معیار شعر اطعمه دیوان بسحق بوده است و بر اساس عملکرد او و مطالعه تطبیقی آن با دیوان صوفی گونه‌ها و سبک و سیاق صوفی هروی تبیین شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که صوفی هروی در انواع اشعار و مطالبی که با موضوع اطعمه سروده و نگاشته از بسحق متأثر بوده است، اما برخی ویژگی‌ها کار او را متفاوت و قابل توجه کرده است. در زمینه غزل آنچه شعر او را متفاوت کرده است؛ بسامد استفاده از فضای عشق و عرفان است. او غذا را معشوق قرار داده و به کمک فضای آیرونیک شعر حافظ که بیشترین استقبال را از آن داشته است، برخی از مفاهیم عرفانی را برای ایجاد یک فضای آیرونیک به کار گرفته است. بر این اساس راوی در شعر او خوراک‌ستایی است که شمس دل‌خواهش نان است و از مشرق تنور طلوع می‌کند و تکه نانی در نظر او بر دو جهان برتری دارد. علاوه بر این فضای آیرونیک، او در زمینه‌های دیگری مانند استعاره، تشبیه، استثنا و... برای غنای تصاویر نقیضی خود بهره برده است و از این نظر علاقمندان شعر طنز با خواندن اشعار او از استحصال خنده و ظرافت تهی دست نخواهند ماند.

کلیدواژه: طنز، نقیضه اطعمه، صوفی محمد هراتی، بسحق اطعمه

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، عضو هیأت علمی دانشگاه خلیج فارس، jaberi@pgu.ac.ir & jaberi.naser@gmail.com (نویسنده مسئول)

** دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس مدعو گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خلیج فارس، s.sharuni69@gmail.com
تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

۱. مقدمه

در قرن نهم هجری گونهٔ اطعمه‌سرایی به لطف وجود بسحق شیرازی رواج یافت. دربارهٔ دلایل پیدایش این نوع شعر می‌توان تحقیقاتی دربارهٔ فقر و گر سنگی و رابطهٔ آن با این نوع شعر انجام داد، اما قطعاً یکی از دلایل پیدایش آن تجربهٔ فضاهای جدید شعری بوده است که بسحق خود نیز بدان معترف است. برخی ابیات بسحق نشان می‌دهد که در زمان حیات وی سرودن اشعار اطعمه در میان دیگر شعرا نیز رایج بوده است و به همین دلیل سعی داشته خود را در این نوع یکتا و یگانه به شمار آورد. احمد اطعمهٔ شیرازی دیگر نامی است که همزمان با بسحق و به تأسی از او در این گونهٔ شعر طبع‌آزمایی کرده است. در آن سوی و فرسنگ‌ها دورتر در شهر هرات، صوفی هروی چراغ این نوع شعر را برافروخته است.

۱.۱. بیان مسأله

مطالعهٔ کتب تاریخ ادبیات و تذکره‌ها نشان می‌دهد دفتر اشعار صوفی محمد و به خصوص دیوان اطعمهٔ او مغفول مانده است. او از مقلدان بسحاق اطعمه است، اما در هیچ کدام از منابع شناخته شده نامی از وی حتی در میان مقلدان بسحاق ذکر نگردیده است که خود دلیل روشنی بر ناشناخته بودن این شاعر و عدم توجه به دیوان او است. این پژوهش تلاشی برای ایجاد شناختی بهتر از صوفی محمد هروی و شیوهٔ سخن‌سرایی و شگردهای طنزپردازی او است. مبنای تحقیق مطالعهٔ دفتر اشعار وی و استخراج شواهد جهت نشان دادن قابلیت‌های وی در زمینهٔ اطعمه‌سرایی بوده است و در ضمن آن مقایسه‌ای نیز با برخی از اشعار بسحق انجام شده است. این مقایسه از این حیث که بسحق چهرهٔ شناخته شده این سبک شعر است، ضروری بوده و می‌توانست در تبیین جایگاه هروی یاری رسان باشد.

۱.۲. پیشینهٔ پژوهش

از معدود مقالاتی که دربارهٔ صوفی هروی نوشته شده، تحقیقی از محمود عابدی است که به مناسبت چاپ دفتر اشعار او نوشته است؛ با عنوان: «دفتر اشعار صوفی محمد هروی (قرن نهم)» مؤلف، نثر صوفی هروی را دارای ارزش توجه دانسته، اما در شعر برای او چندان جایگاهی قائل نیست؛ اگرچه نظر عابدی دربارهٔ اشعار جدی صوفی صحیح، اما دربارهٔ طنز او

قابل نقد است و در این مقاله برخی از دلایل آن نقد تبیین می‌شود. با وجود این نظر منتقدانه، عابدی معتقد است یکی از مهمترین ویژگی‌های دفتر صوفی هروی واژگان نادری است که در آن به کار رفته است. در این مقاله بر دو واژه از دیوان صوفی تأکید شده است: «جَتی‌گری^۱» و «عینک^۲». لذا مبنای مقاله مذکور بر تبیین ارزش‌های واژگانی دیوان صوفی هروی بوده است، اما پژوهش حاضر بنا را بر تبیین جایگاه هروی در اطعمه‌سرایی و بررسی جنبه‌های تقلید و نوآوری او گذاشته است. اثر دیگر مقاله‌ای است با عنوان «دو دیوان در وصف طعام از شیراز قرن نهم» (۱۳۹۸)، که مؤلف اثبات کرده است احمد اطعمه شاعری غیر از بسحاق بوده است و اشتباه تذکره‌نویسان موجب خلط نام وی با بسحق شده است و این دو شاعر در گذر زمان یک شاعر پنداشته شده‌اند. مؤلف همچنین تعداد ابیات احمد اطعمه و پیروی او از بسحاق و ممدوحان او را بررسی کرده است. اهمیت این تحقیق این است که بر رواج و مقبولیت اطعمه‌سرایی در قرن نهم صحه می‌گذارد و نشان می‌دهد در شیراز قرن نهم این گونه شعر مقبولیت داشته است. تحقیق دیگر پایان‌نامه‌ای است با عنوان «فرهنگ لغات و اصطلاحات دیوان صوفی هروی» (۱۳۹۷) که پژوهش ضعیفی است و صرفاً گردآوری برخی از واژگان دیوان صوفی هرفی و توضیح آن‌ها بر اساس لغت‌نامه دهخداست؛ حال آن‌که اگر صرفاً واژگان اغذیه مد نظر قرار می‌گرفت و در خراسان و لهجه‌ها و گویش‌های آن مناطق تفحص می‌شد؛ رواج یا فراموشی آن‌ها و نیز تطورشان می‌توانست به تحقیق جدیدی منجر شود. بنابراین تا کنون درباره صوفی هروی و حدود و ابعاد نقیضه‌سرایی او تحقیقی صورت نگرفته است و این پژوهش گام تازه‌ای برای شناخت این شاعر است.

۱.۳. مبانی نظری و بحث

امروزه طنزپژوهی جایگاه مهمی در پژوهش‌های علوم انسانی دارد. این زمینه پژوهشی در بخشی از دانشگاه‌های جهان با عنوان Humourlogy به عنوان گرایشی میان‌رشته‌ای تدریس می‌شود که عرصه بسیار وسیعی دارد و در آن طنز از دیدگاه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، زبان‌شناسی، ادبیات، روان‌شناسی، زیبایی‌شناسی و سایر زمینه‌های فکری و معرفتی بررسی می‌شود. (صدر، ۱۳۹۵: ۷) طنزپردازی شیوه خاصی است که نویسنده یا شاعر انتخاب می‌کند تا بوسیله آن دردها و مشکلات اجتماعی را آشکار کند. از دیرباز تاکنون در جوامع مختلف درباره طنز تئوری‌های گوناگون و گاه کاملاً متناقضی بیان شده است.

طنز در ادبیات کلاسیک ایران در قرن هفتم و هشتم به دلیل نابسامانی‌های سیاسی و هرج و مرج‌های اجتماعی ناشی از حمل مغمولان صبغه انتقادی گرفت» (باقری خلیلی، ۱۳۸۸: ۲)، اما پیش از آن طنز بیشتر جنبه شخصی داشت تا اجتماعی. پس از روی کار آمدن تیموریان، هرج و مرج و نابسامانی در نواحی مختلف ایران، سبب رواج قحطی و گرسنگی گردید و شاعرانی چون بسحاق اطعمه در شیراز و صوفی محمد در هرات به اطعمه‌سرایی روی آوردند و با زبان طنز به بیان آرزوهای پنهان محرومان و گرسنگان پرداختند.